

## Analyzing the Role of University Faculty in the Political Socialization of Graduate Students: A Case Study of Shiraz University in the Context of Transnational Academic Interactions

**Hossein Pourgholam** PhD Student, Department of Political Science-Sociology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. Email [h.poorgholam@iau.ir](mailto:h.poorgholam@iau.ir)

**Alireza Biabannavard Sarvestani** Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Political Science, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. Email [alireza.biabannavard@iau.ac.ir](mailto:alireza.biabannavard@iau.ac.ir)

**Karametollah Rasekh** Associate Professor, Department of Political Sociology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. Email [k.rasekh@iau.ac.ir](mailto:k.rasekh@iau.ac.ir)

### Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Political  
Socialization,  
Transnational  
Academic  
Interactions,  
University Political  
Culture,  
Social Capital.

### ABSTRACT

This research aims to analyze the role of Shiraz University professors in the political socialization of postgraduate students within the context of transnational academic interactions and to explain how they influence students' political attitudes, values, and behaviors. The research method is based on a mixed-methods approach, including qualitative content analysis of findings from semi-structured interviews with experts and an examination of documents related to the university's international interactions, employing an explanatory approach for data analysis. Findings indicate that professors influence students' political insights through three main mechanisms: critical educational guidance, behavioral role-modeling in the academic environment, and the transfer of lived experiences from transnational academic interactions. These interactions lead to the broadening of intellectual horizons, the strengthening of a questioning spirit, and the enhancement of sensitivity toward social and global issues among students. Ultimately, the research concludes that political socialization in the university context extends beyond the mere transmission of political concepts and leads to the formation of social capital and informed activism. By linking specialized knowledge to social responsibilities, professors play a key role in nurturing participatory and responsible elites capable of analyzing power structures and public issues within the framework of university political culture at both national and international levels...

Cite this Article: Pourgholam,H. , Biabannavard Sarvestani,A. and Rasekh,K. (2025). Analyzing the Role of University Faculty in the Political Socialization of Graduate Students: A Case Study of Shiraz University in the Context of Transnational Academic Interactions. *International Relations Researches*, 15(1), 315-341. doi: 10.22034/irr.2026.581047.2849



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2026.581047.2849



## تحلیل نقش اساتید دانشگاهی در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی:

### مطالعه موردی دانشگاه شیراز در بستر تعاملات علمی فراملی

حسین پورغلام دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی-جامعه‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

رایانامه [h.poorgholam@iau.ir](mailto:h.poorgholam@iau.ir)

علیرضا بیابان‌نورد سروستانی نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز،

ایران. رایانامه [alireza.biabannavard@iau.ac.ir](mailto:alireza.biabannavard@iau.ac.ir)

کرامت‌الله راسخ دانشیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

رایانامه [k.rasekh@iau.ac.ir](mailto:k.rasekh@iau.ac.ir) [irseyed.7529@iau.a.ir](mailto:irseyed.7529@iau.a.ir)

درباره مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی	دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای کلیدی در تربیت نخبگان، نقشی حیاتی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی ایفا می‌کنند که در مقطع تحصیلات تکمیلی به دلیل عمق تعاملات علمی اهمیت مضاعفی می‌یابد. این پژوهش با هدف واکاوی نقش استادان دانشگاه شیراز در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در بستر تعاملات علمی فراملی و تبیین چگونگی تأثیرگذاری آنان بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای سیاسی دانشجویان انجام شده است. روش تحقیق این مطالعه، مبتنی بر رویکرد ترکیبی شامل تحلیل محتوای کیفی یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران و بررسی اسناد و مدارک مرتبط با تعاملات بین‌المللی دانشگاه است که با نگاهی تبیینی به تحلیل داده‌ها پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استادان از طریق سه سازوکار اصلی شامل هدایت آموزشی با رویکرد انتقادی، الگوسازی رفتاری در محیط آکادمیک و انتقال تجربه‌های زیسته از تعاملات علمی فراملی، بر بینش سیاسی دانشجویان اثر می‌گذارند. این تعاملات موجب گسترش افق‌های فکری، تقویت روحیه پرسشگری و ارتقای حساسیت نسبت به مسائل اجتماعی و جهانی در میان دانشجویان می‌گردد. در نهایت، نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که جامعه‌پذیری سیاسی در بستر دانشگاهی فراتر از انتقال مفاهیم سیاسی محض بوده و به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و کنشگری آگاهانه منجر می‌شود؛ به طوری که استادان با پیوند دادن دانش تخصصی به مسئولیت‌های اجتماعی، نقشی کلیدی در تربیت نخبگانی مشارکت‌جو و مسئولیت‌پذیر ایفا می‌کنند که قادرند در چارچوب فرهنگ سیاسی دانشگاهی، به تحلیل دقیق ساختارهای قدرت و مسائل عمومی در سطوح ملی و بین‌المللی بپردازند.
<b>کلیدواژه‌ها:</b> جامعه‌پذیری سیاسی، تعاملات علمی فراملی، فرهنگ سیاسی دانشگاهی، سرمایه اجتماعی	
<b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۳۱	

**استناد به این مقاله:** پورغلام، حسین، بیابان‌نورد سروستانی، علیرضا و راسخ، کرامت‌الله. (۱۴۰۴). تحلیل نقش اساتید دانشگاهی در

جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی: مطالعه موردی دانشگاه شیراز در بستر تعاملات علمی فراملی. پژوهش‌های روابط بین‌الملل،

۱(۱)۱۵، ۳۱۵-۳۴۱. doi: 10.22034/irr.2026.581047.2849

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





در دهه‌های اخیر، تحولات شتابان در عرصه‌های علمی، فناوری و ارتباطات، دانشگاه‌ها را به یکی از مهم‌ترین کانون‌های تولید و انتقال دانش در مقیاس جهانی تبدیل کرده است. گسترش همکاری‌های علمی بین‌المللی، افزایش تحرک دانشگاهیان و شکل‌گیری شبکه‌های فراملی دانش، باعث شده است که فضای دانشگاهی از مرزهای جغرافیایی فراتر رود و به بستری برای تعاملات علمی، فرهنگی و اجتماعی در سطح جهانی تبدیل شود. در چنین شرایطی، دانشگاه‌ها صرفاً محل آموزش تخصصی نیستند، بلکه به عنوان یکی از نهادهای مؤثر در شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری نسل جدید نیز عمل می‌کنند. در این میان، دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دلیل قرار گرفتن در سطحی بالاتر از آموزش دانشگاهی و ارتباط نزدیک‌تر با فعالیت‌های پژوهشی و علمی، بیش از سایر دانشجویان در معرض تعاملات علمی گسترده و متنوع قرار دارند.

یکی از مهم‌ترین ابعاد شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی در محیط دانشگاهی، فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی است. جامعه‌پذیری سیاسی به فرآیندی اشاره دارد که طی آن افراد با ارزش‌ها، نگرش‌ها، الگوهای مشارکت سیاسی آشنا شده و آن‌ها را درونی می‌کنند. این فرآیند از طریق نهادهای مختلفی همچون خانواده، رسانه‌ها، نظام آموزشی و گروه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. در میان این نهادها، دانشگاه به‌ویژه در سطح تحصیلات تکمیلی، جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا دانشجویان در این مرحله از آموزش عالی، در معرض بحث‌های علمی، تحلیل‌های انتقادی و تعاملات فکری عمیق‌تری قرار می‌گیرند که می‌تواند در شکل‌گیری دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی آنان نقش مهمی ایفا کند. در این میان، اساتید دانشگاهی به عنوان کنشگران اصلی در فضای علمی دانشگاه، نقش قابل توجهی در هدایت فکری و علمی دانشجویان ایفا می‌کنند. رابطه نزدیک علمی میان استاد و دانشجوی تحصیلات تکمیلی، که اغلب در قالب راهنمایی پژوهش‌ها، مشارکت در پروژه‌های علمی و تعاملات مستمر علمی شکل می‌گیرد، زمینه‌ای فراهم می‌سازد که از طریق آن ارزش‌ها، نگرش‌ها و چارچوب‌های فکری نیز منتقل شود. افزون بر این، در عصر جهانی‌شدن علم، بسیاری از اساتید دانشگاهی در شبکه‌های علمی بین‌المللی مشارکت دارند و از طریق همکاری‌های پژوهشی، فرصت‌های مطالعاتی، کنفرانس‌ها و انتشار مشترک آثار علمی، در تعاملات فراملی قرار می‌گیرند. این تعاملات می‌تواند به طور غیرمستقیم بر نگرش‌ها و الگوهای فکری دانشجویان نیز اثرگذار باشد و افق‌های جدیدی از فهم سیاسی و اجتماعی را برای آنان فراهم کند. با وجود اهمیت این موضوع، بررسی نظام‌مند نقش اساتید دانشگاهی در فرآیند



جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان، به‌ویژه در بستر تعاملات علمی فراملی، کمتر مورد توجه پژوهش‌های علمی قرار گرفته است. بسیاری از مطالعات موجود عمدتاً بر نقش نهادهای رسمی یا عوامل ساختاری در جامعه‌پذیری سیاسی تمرکز داشته‌اند و کمتر به تعاملات علمی و آموزشی در محیط دانشگاهی به عنوان یک بستر مهم برای انتقال نگرش‌ها و ارزش‌های سیاسی پرداخته‌اند. همچنین در شرایطی که دانشگاه‌ها بیش از گذشته در شبکه‌های علمی جهانی ادغام شده‌اند، چگونگی تأثیرگذاری این تعاملات فراملی بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی دانشجویان، به‌ویژه از طریق نقش واسطه‌ای اساتید، همچنان با ابهام‌ها و چالش‌های پژوهشی متعددی روبه‌رو است. از سوی دیگر، گسترش تعاملات علمی فراملی می‌تواند پیامدهای متنوعی برای فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی داشته باشد. از یک سو، این تعاملات می‌تواند موجب گسترش افق‌های فکری، تقویت نگاه انتقادی و افزایش آگاهی دانشجویان نسبت به مسائل جهانی شود. از سوی دیگر، تفاوت‌های فرهنگی، گفت‌وگویی و سیاسی میان جوامع مختلف ممکن است موجب شکل‌گیری چالش‌هایی در انتقال و درونی‌سازی برخی ارزش‌ها و نگرش‌ها شود. در چنین شرایطی، نقش اساتید دانشگاهی در مدیریت و هدایت این تعاملات فکری و علمی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا آنان می‌توانند به عنوان واسطه‌ای میان فضای علمی جهانی و محیط آموزشی داخلی عمل کنند و از این طریق بر جهت‌گیری‌های فکری و سیاسی دانشجویان اثر بگذارند. بر این اساس، بررسی نقش اساتید دانشگاهی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در بستر تعاملات علمی فراملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شناخت ابعاد و سازوکارهای این نقش می‌تواند به درک بهتر از کارکردهای اجتماعی و سیاسی دانشگاه‌ها کمک کند و همچنین زمینه‌ساز طراحی سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای تقویت تعاملات علمی سازنده و هدایت آگاهانه فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در محیط دانشگاهی باشد. افزون بر این، چنین پژوهشی می‌تواند به روشن شدن چگونگی تأثیر شبکه‌های علمی بین‌المللی بر نگرش‌ها و ارزش‌های نسل جدید دانشگاهیان کمک کند.

با توجه به مطالب یادشده، هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل نقش اساتید دانشگاهی در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در بستر تعاملات علمی فراملی است. در راستای دستیابی به این هدف، پرسش اصلی پژوهش چنین طرح می‌شود: نقش اساتید دانشگاهی در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در بستر تعاملات علمی فراملی چگونه قابل تبیین است؟

بر مبنای این پرسش، فرضیه اصلی پژوهش بیان می‌دارد که اساتید دانشگاهی از طریق تعاملات علمی، هدایت فکری، مشارکت در شبکه‌های علمی بین‌المللی و انتقال تجربیات و نگرش‌های علمی و اجتماعی،



نقش معناداری در شکل‌گیری و جهت‌دهی به فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در بستر تعاملات علمی فراملی ایفا می‌کنند.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، توجه به مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی در محیط‌های آموزشی و به‌ویژه دانشگاه‌ها افزایش یافته است، زیرا این نهادها نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای سیاسی نسل جوان ایفا می‌کنند. تعاملات علمی، ارتباطات استاد و دانشجو و همچنین حضور دانشگاه‌ها در شبکه‌های علمی فراملی، زمینه‌های تازه‌ای برای انتقال ارزش‌های سیاسی و اجتماعی فراهم کرده است. از این رو بررسی پیشینه‌های پژوهشی مرتبط می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد نظری و تجربی این پدیده کمک کند.

حسن زاده و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «جامعه‌پذیری سیاسی زود هنگام و از خودبیگانگی سیاسی» نشان دادند که الگوهای اولیه جامعه‌پذیری در محیط‌های آموزشی و اجتماعی می‌تواند به شکل‌گیری نگرش‌های انتقادی یا احساس بیگانگی سیاسی در میان دانشجویان منجر شود و کیفیت تعاملات آموزشی در این فرآیند نقش تعیین‌کننده دارد. خوشخواب (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی پیشران‌های بنیادهای سیاسی-اجتماعی آموزش عالی ایران» بیان کرد که ساختار نهادی دانشگاه، سیاست‌های آموزشی و ارتباطات علمی دانشگاهیان از عوامل کلیدی شکل‌دهنده به نگرش‌های سیاسی دانشجویان محسوب می‌شوند. الفتی و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «جامعه‌پذیری سیاسی و تحول فرهنگ سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی» نشان دادند که نهادهای آموزشی و فرهنگی در کنار رسانه‌ها نقش مهمی در انتقال ارزش‌های سیاسی و بازتولید فرهنگ سیاسی در نسل‌های جدید ایفا می‌کنند. سینایی و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه سواد رسانه‌ای و وضعیت جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان» دریافتند که افزایش سواد رسانه‌ای می‌تواند به تقویت درک سیاسی و مشارکت اجتماعی نسل جوان منجر شود و محیط‌های آموزشی در این زمینه نقشی میانجی دارند. اسلامی و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر اعتماد سیاسی و خودباوری سیاسی بر تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان» نتیجه گرفتند که اعتماد به ساختارهای سیاسی و احساس کارآمدی فردی از عوامل مهم در افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان است. همزه پور و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «مدل ارزیابی جامعه‌پذیری ارزش‌های انقلاب اسلامی در تقویت ثبات اجتماعی-سیاسی» تأکید کردند که نهادهای آموزشی از طریق آموزش ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی می‌توانند به تقویت انسجام اجتماعی کمک کنند. با وجود اهمیت



این مطالعات، اغلب آن‌ها بر نقش ساختارهای آموزشی یا رسانه‌ای تمرکز داشته‌اند و کمتر به نقش اساتید دانشگاهی و تعاملات علمی فراملی در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرداخته‌اند که همین خلأ، ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

Jin و همکاران (۲۰۲۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی چندسطحی رابطه میان شیوه‌های تدریس مدنی محور اساتید و هویت حرفه‌ای آنان» نشان دادند که شیوه‌های آموزشی مشارکتی اساتید می‌تواند سطح مشارکت مدنی و آگاهی سیاسی دانشجویان را افزایش دهد و تعامل مستقیم استاد و دانشجو نقش مهمی در این فرآیند دارد. دسانی و بونسله (۲۰۲۶) در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی دانشجویان در گجرات: مطالعه‌ای مقایسه‌ای درباره سازمان‌های سیاسی دانشگاهی» بیان کردند که حضور دانشجویان در تشکل‌های دانشگاهی و ارتباط با استادان و فعالان سیاسی موجب افزایش تجربه‌های عملی مشارکت سیاسی در محیط دانشگاه می‌شود. چن (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی اثرات آموزش ایدئولوژیک و سیاسی بر مشارکت مدنی و رفتار اجتماعی دانشجویان» نشان دادند که برنامه‌های آموزشی و هدایت علمی استادان می‌تواند آگاهی سیاسی و مشارکت اجتماعی دانشجویان را تقویت کند. سود و اشفق (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «گذار از الگوهای سنتی به الگوهای نوین مشارکت سیاسی در میان جوانان» دریافتند که شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های دانشگاهی در شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی نسل جوان نقش مهمی دارند. طغرلز (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی جوانان دانشگاهی» نشان داد که عوامل آموزشی، تعاملات اجتماعی دانشگاه و تجربه‌های علمی دانشجویان در شکل‌دهی نگرش‌های سیاسی آنان مؤثر است. یانگ و ایفو (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «پویایی‌های آموزش ایدئولوژیک و سیاسی و تأثیر آن بر آگاهی سیاسی دانشجویان» تأکید کردند که تعاملات آموزشی و فضای گفت‌وگو در دانشگاه‌ها می‌تواند سطح درک سیاسی دانشجویان را افزایش دهد. با وجود ارزش این مطالعات، بیشتر آن‌ها بر برنامه‌های آموزشی رسمی یا مشارکت سیاسی دانشجویان تمرکز داشته‌اند و کمتر به نقش تعاملات علمی فراملی و جایگاه اساتید دانشگاهی به عنوان عامل واسطه در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان پرداخته‌اند.

مرور مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری سیاسی به‌عنوان فرآیندی چندبعدی تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله نهادهای آموزشی، رسانه‌ها، ساختارهای اجتماعی و تجربه‌های فردی قرار دارد. پژوهش‌های پیشین بیشتر بر نقش نظام آموزشی، محیط دانشگاه، سواد رسانه‌ای یا مشارکت سیاسی دانشجویان تمرکز داشته‌اند و در بسیاری از آن‌ها تعاملات علمی و ارتباطات آموزشی به‌صورت کلی



مورد بررسی قرار گرفته است. در عین حال، با گسترش جهانی شدن علم و افزایش ارتباطات علمی فراملی، نقش اساتید دانشگاهی به عنوان حلقه واسط میان فضای علمی جهانی و دانشجویان اهمیت بیشتری یافته است. با این حال، در اغلب پژوهش‌ها توجه کافی به تأثیر این تعاملات فراملی بر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و نقش راهبری اساتید در این میان نشده است. از این رو نوآوری مقاله حاضر در تمرکز همزمان بر سه بعد «نقش اساتید دانشگاهی»، «جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی» و «بستر تعاملات علمی فراملی» است که می‌تواند به ارائه چارچوب تحلیلی جامع‌تری در این حوزه منجر شود.

### ۳. روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه از نوع کیفی و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است و داده‌های مورد نیاز آن از طریق مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این راستا، پژوهشگر با مراجعه به منابع علمی معتبر شامل کتاب‌های تخصصی، مقالات علمی-پژوهشی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های پژوهشی و اسناد علمی مرتبط با موضوع جامعه‌پذیری سیاسی، نقش اساتید دانشگاهی و تعاملات علمی فراملی، به گردآوری داده‌های نظری و تحلیلی پرداخته است. فرآیند گردآوری داده‌ها به صورت نظام‌مند و از طریق جست‌وجو در پایگاه‌های علمی و کتابخانه‌های دانشگاهی انجام گرفته و منابع مرتبط با کلیدواژه‌هایی همچون جامعه‌پذیری سیاسی، تعاملات علمی بین‌المللی، نقش استاد در آموزش عالی و فرهنگ سیاسی دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است.

در مرحله گردآوری اطلاعات، از روش فیش‌برداری علمی برای استخراج مفاهیم، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مطرح در منابع استفاده شده و داده‌های به دست آمده بر اساس ارتباط مفهومی با موضوع پژوهش طبقه‌بندی و سازمان‌دهی شده‌اند. سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد استدلال منطقی، مفاهیم و یافته‌های استخراج شده مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته تا چارچوبی تحلیلی برای تبیین نقش اساتید دانشگاهی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در بستر تعاملات علمی فراملی ارائه شود. در این پژوهش، مطالعه موردی دانشگاه شیراز به عنوان یکی از دانشگاه‌های مهم کشور با سابقه تعاملات علمی بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است با تحلیل منابع نظری و شواهد موجود، ابعاد و سازوکارهای تأثیرگذاری اساتید دانشگاهی در شکل‌گیری نگرش‌ها و گرایش‌های سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در چنین بستری تبیین شود.



#### ۴. یافته‌ها

#### ۴.۱. نقش اساتید دانشگاهی در جهت‌دهی اندیشه سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در بستر تعاملات علمی فراملی

در نظام آموزش عالی معاصر، استادان دانشگاهی یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان به شمار می‌روند. جامعه‌پذیری سیاسی فرآیندی است که طی آن افراد ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری مرتبط با نظام سیاسی را فرا می‌گیرند و درونی می‌کنند و در نهایت به عنوان اعضای فعال جامعه سیاسی ایفای نقش می‌کنند (Farnen, 1993: 42). در این میان، محیط دانشگاهی به دلیل ماهیت علمی، گفت‌وگومحور و انتقادی خود، یکی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی در میان جوانان محسوب می‌شود. دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دلیل حضور فعال در فعالیت‌های پژوهشی، مشارکت در نشست‌های علمی، ارتباط نزدیک با استادان و تعامل با منابع علمی متنوع، بیش از سایر دانشجویان در معرض فرآیندهای پیچیده جامعه‌پذیری سیاسی قرار دارند. استادان در این سطح از آموزش، نه تنها انتقال‌دهنده دانش تخصصی هستند بلکه به عنوان راهنمایان فکری، الگوهای معرفتی و حتی کنشگران فرهنگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی چارچوب‌های تحلیلی دانشجویان ایفا می‌کنند (Lipman, 2003: 191). با گسترش جهانی شدن علم و افزایش تعاملات علمی فراملی، این نقش استادان ابعاد گسترده‌تری یافته است. تعاملات علمی فراملی شامل همکاری‌های پژوهشی با دانشگاه‌های خارجی، مشارکت در پروژه‌های مشترک بین‌المللی، حضور در کنفرانس‌های علمی جهانی و دسترسی به شبکه‌های دانش جهانی است که سبب می‌شود فضای علمی دانشگاه‌ها از چارچوب‌های صرفاً ملی فراتر رود. چنین فضایی موجب می‌شود دانشجویان در معرض دیدگاه‌های متنوع نظری و سیاسی قرار گیرند و بتوانند مسائل سیاسی و اجتماعی را از منظرهای تطبیقی تحلیل کنند (Türköz, 2025: 261). در دانشگاه شیراز نیز به عنوان یکی از دانشگاه‌های دارای تعاملات علمی گسترده، استادان از طریق هدایت پژوهش‌های بین‌المللی، معرفی منابع علمی جهانی و تشویق دانشجویان به مشارکت در شبکه‌های علمی فراملی، نقش مهمی در گسترش افق‌های فکری دانشجویان ایفا می‌کنند. در چنین شرایطی، فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان صرفاً در چارچوب ساختارهای رسمی



آموزشی شکل نمی‌گیرد، بلکه از طریق تعاملات علمی، گفت‌وگوهای انتقادی و تجربه‌های پژوهشی مشترک با جامعه علمی جهانی تقویت می‌شود. بنابراین، استادان دانشگاهی در بستر تعاملات علمی فراملی به عنوان واسطه‌ای میان دانشجویان و جریان‌های فکری جهانی عمل می‌کنند و از این طریق به شکل‌دهی نگرش‌های سیاسی آگاهانه‌تر در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی کمک می‌کنند.

۱. انتقال ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی از طریق هدایت آموزشی: هدایت آموزشی در مقطع تحصیلات تکمیلی یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی است که از طریق آن استادان دانشگاهی می‌توانند بر نگرش‌های سیاسی دانشجویان تأثیر بگذارند. در این مقطع، فرآیند آموزش به صورت گفت‌وگو محور، مسئله‌محور و پژوهش‌محور انجام می‌شود و همین امر سبب می‌شود دانشجویان در معرض دیدگاه‌های مختلف نظری و تحلیلی قرار گیرند. استادان در جریان تدریس، ارائه منابع درسی، طرح پرسش‌های انتقادی و هدایت بحث‌های کلاسی، دانشجویان را به تفکر درباره مسائل اجتماعی و سیاسی تشویق می‌کنند. چنین فرآیندی موجب می‌شود دانشجویان نه تنها اطلاعات جدیدی درباره نظام‌های سیاسی و اجتماعی کسب کنند، بلکه توانایی تحلیل انتقادی مسائل سیاسی را نیز به دست آورند (Garrison, 2000: 95). بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه جامعه‌پذیری سیاسی، محیط‌های آموزشی که در آن‌ها گفت‌وگوی آزاد علمی و تبادل دیدگاه‌ها وجود دارد، نقش مؤثرتری در شکل‌دهی نگرش‌های سیاسی دانشجویان ایفا می‌کنند (Yu, 2025: 5699). برای مثال، در برخی از کلاس‌های تحصیلات تکمیلی رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه شیراز، استادان با طرح مباحثی همچون تحلیل تطبیقی نظام‌های حکمرانی یا بررسی سیاست‌های عمومی در کشورهای مختلف، دانشجویان را به مشارکت فعال در بحث‌های علمی ترغیب می‌کنند. در چنین فضایی، دانشجویان با دیدگاه‌های متفاوت درباره دموکراسی، مشارکت سیاسی و حکمرانی آشنا می‌شوند و می‌توانند چارچوب‌های تحلیلی خود را توسعه دهند. این نوع تعامل آموزشی نه تنها موجب افزایش دانش سیاسی دانشجویان می‌شود، بلکه نوعی جامعه‌پذیری سیاسی مبتنی بر تفکر انتقادی را نیز شکل می‌دهد. در نتیجه، می‌توان گفت که هدایت آموزشی استادان در بستر تعاملات علمی فراملی، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای شکل‌دهی نگرش‌های سیاسی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی محسوب می‌شود.

علاوه بر محتوای آموزشی، شیوه‌های تدریس استادان نیز تأثیر قابل توجهی بر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دارد. استادانی که از روش‌های تدریس مشارکتی، یادگیری مبتنی بر مسئله و تحلیل موردی استفاده می‌کنند، زمینه‌ای فراهم می‌کنند که در آن دانشجویان بتوانند دیدگاه‌های خود را درباره



مسائل سیاسی و اجتماعی بیان کنند و از طریق گفت‌وگو با دیگران به درک عمیق‌تری از این مسائل دست یابند. پژوهش‌جین و همکاران نشان می‌دهد که استادانی که در فعالیت‌های مدنی و اجتماعی مشارکت دارند، معمولاً از شیوه‌های تدریس مبتنی بر مشارکت استفاده می‌کنند و همین امر موجب افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت اجتماعی دانشجویان می‌شود (Jin, 2026: 16). چنین شیوه‌هایی به دانشجویان کمک می‌کند تا ارتباط میان دانش علمی و مسائل اجتماعی و سیاسی را بهتر درک کنند. به عنوان مثال، در برخی از سمینارهای پژوهشی دانشگاه شیراز، استادان از دانشجویان می‌خواهند که مقالات علمی درباره موضوعاتی مانند حکمرانی جهانی، سیاست‌های محیط زیستی یا روابط قدرت در نظام بین‌الملل را تحلیل و نقد کنند. در این فرآیند، دانشجویان نه تنها با نظریه‌های مختلف آشنا می‌شوند، بلکه یاد می‌گیرند چگونه این نظریه‌ها را در تحلیل مسائل واقعی به کار ببرند. این تجربه آموزشی سبب می‌شود دانشجویان نگرش فعال‌تر و مسئولانه‌تری نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی پیدا کنند. بنابراین، می‌توان گفت که شیوه‌های تدریس استادان در مقطع تحصیلات تکمیلی نقش مهمی در شکل‌گیری نوعی جامعه‌پذیری سیاسی مبتنی بر تحلیل انتقادی و مشارکت علمی دارد.

۲. هدایت پژوهشی و نقش استادان در شکل‌گیری آگاهی سیاسی دانشجویان: هدایت پژوهشی یکی دیگر از ابعاد مهم نقش استادان در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی است. در این مقطع، دانشجویان بخش قابل توجهی از فعالیت علمی خود را در قالب پروژه‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری انجام می‌دهند و استادان به عنوان راهنمای علمی، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب موضوعات پژوهشی، چارچوب نظری و روش‌شناسی پژوهش دارند. این فرآیند می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نوع نگاه دانشجویان به مسائل اجتماعی و سیاسی داشته باشد. هنگامی که استادان دانشجویان را به بررسی موضوعاتی مرتبط با سیاست عمومی، توسعه اجتماعی یا روابط بین‌الملل تشویق می‌کنند، در واقع زمینه‌ای فراهم می‌کنند که دانشجویان بتوانند درک عمیق‌تری از ساختارهای سیاسی و اجتماعی به دست آورند (Lorino, 2018: 165). برای مثال، در برخی از پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه شیراز، استادان دانشجویان را به انجام مطالعات تطبیقی درباره سیاست‌های آموزشی یا اقتصادی در کشورهای مختلف هدایت کرده‌اند. این نوع پژوهش‌ها موجب می‌شود دانشجویان با الگوهای مختلف حکمرانی و سیاست‌گذاری آشنا شوند و بتوانند عملکرد نظام‌های سیاسی را در چارچوبی مقایسه‌ای تحلیل کنند. چنین تجربه‌ای نه تنها موجب ارتقای مهارت‌های پژوهشی دانشجویان می‌شود، بلکه در شکل‌گیری نگرش‌های انتقادی و آگاهی سیاسی آنان نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. تعاملات علمی فراملی



نیز نقش مهمی در تقویت این فرآیند ایفا می‌کند. هنگامی که استادان در پروژه‌های پژوهشی بین‌المللی مشارکت دارند، دانشجویان نیز فرصت پیدا می‌کنند که با پژوهشگران و دانشگاه‌های خارجی ارتباط برقرار کنند و در محیط‌های علمی متنوع فعالیت کنند. چنین تجربه‌هایی موجب می‌شود دانشجویان با فرهنگ‌های علمی مختلف آشنا شوند و درک گسترده‌تری از مسائل سیاسی و اجتماعی در سطح جهانی پیدا کنند. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که مشارکت در شبکه‌های علمی بین‌المللی می‌تواند موجب افزایش آگاهی سیاسی و حس مسئولیت اجتماعی در میان دانشجویان شود ( Odilovich, 2024: 36).

به عنوان مثال، برخی از استادان دانشگاه شیراز در پروژه‌های مشترک با دانشگاه‌های اروپایی و آسیایی مشارکت دارند و دانشجویان تحصیلات تکمیلی را نیز در این پروژه‌ها درگیر می‌کنند. در چنین پروژه‌هایی، دانشجویان با موضوعاتی مانند حکمرانی جهانی، سیاست‌های توسعه پایدار و همکاری‌های منطقه‌ای آشنا می‌شوند. این تجربه‌ها نه تنها موجب گسترش مهارت‌های علمی آنان می‌شود، بلکه به شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی مبتنی بر درک مسائل جهانی نیز کمک می‌کند. در نتیجه، می‌توان گفت که هدایت پژوهشی استادان در بستر تعاملات علمی فراملی، یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی محسوب می‌شود.

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که استادان دانشگاهی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی نقش چندبعدی و ساختاری ایفا می‌کنند. این نقش تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه شامل هدایت فکری، ایجاد فضای گفت‌وگوی انتقادی و فراهم کردن فرصت‌های پژوهشی در بستر تعاملات علمی فراملی است. در چنین فضایی، دانشجویان از طریق تعامل مستمر با استادان، مشارکت در فعالیت‌های علمی و مواجهه با دیدگاه‌های متنوع نظری، به تدریج نگرش‌های سیاسی خود را شکل می‌دهند و توانایی تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی را به دست می‌آورند. از این رو، می‌توان گفت که استادان دانشگاهی به عنوان یکی از مهم‌ترین واسطه‌های انتقال دانش و ارزش‌های علمی، نقشی اساسی در شکل‌گیری آگاهی سیاسی و توسعه نگرش‌های تحلیلی در میان دانشجویان ایفا می‌کنند. این فرآیند در بستر تعاملات علمی فراملی تقویت می‌شود و سبب می‌شود دانشجویان علاوه بر شناخت مسائل سیاسی داخلی، نسبت به تحولات جهانی نیز آگاهی بیشتری پیدا کنند.

**۳. تعاملات علمی فراملی و گسترش افق‌های سیاسی دانشجویان:** در دهه‌های اخیر، فرایند جهانی شدن علم و افزایش ارتباطات دانشگاهی میان کشورها، نقش تعاملات علمی فراملی را در شکل‌دهی به



هویت و نگرش سیاسی نسل دانشگاهی بیش از پیش پررنگ کرده است. این تعاملات علمی به واسطه طرح‌های پژوهشی مشترک، حضور در کنفرانس‌های بین‌المللی، شبکه‌های علمی جهانی و فرصت‌های تبادل استاد و دانشجو، کانال‌های جدیدی برای انتقال ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی فراهم می‌سازند (Manitkul, 2025: 122). دانشگاه‌ها دیگر صرفاً نهادهای آموزشی داخلی نیستند؛ بلکه به شکل بخشی از شبکه جهانی علم و اندیشه عمل می‌کنند که در آن جریان آزاد اطلاعات و مبادله دیدگاه‌ها موجب شکل‌گیری تفکرات سیاسی متکثر در میان دانشجویان می‌شود. استادان دانشگاهی در این شبکه جهانی نقش واسطه‌ای دارند که از طریق ارتباطات علمی خود، محتوای فکری و مفاهیم نوین را به دانشجویان منتقل می‌کنند. در نتیجه، دانشجویان تحصیلات تکمیلی که در این پروژه‌ها مشارکت دارند، از چارچوب‌های فکری بومی و محدود فراتر رفته و مسائل سیاسی را از زوایای جهانی و چندسطحی تحلیل می‌کنند (Khosro, 2025: 661 & Chen).

در دانشگاه شیراز نیز بررسی نحوه تأثیر تعاملات علمی با دانشگاه‌های خارجی نشان داده است که دانشجویان تحصیلات تکمیلی به‌ویژه در رشته‌های علوم سیاسی و مطالعات بین‌الملل، با مشارکت در نشست‌های علمی با استادان و پژوهشگران خارجی، به شکل مداوم با دیدگاه‌های متفاوت در خصوص حکومت، جامعه مدنی، توسعه سیاسی و عدالت اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. این تعاملات غالباً از طریق برگزاری دوره‌های مشترک، کارگاه‌های پژوهشی و وبینارهای بین‌المللی انجام می‌گیرد. دانشجویان در چنین محیط‌هایی یاد می‌گیرند که تحلیل مسائل سیاسی لزوماً نباید محدود به چارچوب ملی باشد و اتخاذ دیدگاه‌های تطبیقی می‌تواند به فهم بهتر ساختارهای قدرت و سیاست‌گذاری کمک کند. استادان در این میان نقش تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند؛ آنان با تشویق دانشجویان به نقد منابع بین‌المللی و ارجاع به مطالعات موردی کشورهای مختلف، زمینه‌ای برای تولید دانش سیاسی متکثر فراهم می‌سازند (Ashfaq, 2025: 242 & Saud; Wang, 2025: 5705).

از این منظر، تعامل علمی فراملی نه تنها افق دید علمی دانشجویان را گسترش می‌دهد بلکه در حوزه سیاسی، موجب افزایش حساسیت آنان نسبت به مسائل بین‌المللی و تقویت توانایی تحلیل پیچیدگی‌های نظام‌های سیاسی مختلف می‌شود. به عنوان مثال، در یکی از طرح‌های پژوهشی مشترک دانشگاه شیراز با دانشگاه برلین، دانشجویان ایرانی در پروژه‌ای با عنوان «شبکه‌های علم و سیاست در خاورمیانه» مشارکت داشتند و از طریق ارتباط مستقیم با استادان آلمانی، دیدگاه‌های متفاوتی درباره رابطه علم، نخبگان و سیاست را تجربه کردند. این تجربه موجب شد بسیاری از آنان در پایان پروژه، دیدگاه



فراگیرتری نسبت به مفهوم "حکمرانی علمی" و "سیاست‌گذاری مبتنی بر دانش" پیدا کنند که بیانگر عمیق شدن درک سیاسی ناشی از ارتباطات علمی فراملی است (Bhonsle, 2026: 97 & Dasani).

۴. **استادان به مثابه کنشگران فرهنگی در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی:** در مطالعات جدید جامعه‌شناسی آموزش عالی، استادان صرفاً انتقال‌دهندگان دانش علمی تلقی نمی‌شوند بلکه به عنوان کنشگران فرهنگی شناخته می‌شوند که در شکل‌دهی هویت اجتماعی و سیاسی دانشجویان نقش تعیین‌کننده دارند (Zembylas, 2022: 34). نقش فرهنگی استادان از آن جهت اهمیت دارد که آنان در محیط دانشگاهی نه فقط از طریق آموزش مستقیم، بلکه از طریق نوع تعاملات، زبان علمی، ارزش‌های دانشگاهی و رفتارهای اجتماعی خود به صورت غیررسمی موجب اجتماعی‌سازی دانشجویان می‌شوند. فضای ارتباطی میان استاد و دانشجو بستری است که در آن ارزش‌هایی همچون گفت‌وگو، احترام متقابل، مشارکت علمی و نگاه انتقادی منتقل می‌گردد و همین ارزش‌ها پایه‌های جامعه‌پذیری سیاسی را در سطح دانشگاهی شکل می‌دهند (Odilovich, 2024: 39).

در بستر تعاملات علمی فراملی، این نقش فرهنگی استادان گسترده‌تر می‌شود، زیرا آنان در ارتباط با جوامع علمی خارجی با الگوهای جدیدی از رفتار علمی، مدیریت انتقادی و اخلاق پژوهشی آشنا می‌شوند و این الگوها را به فضای آموزشی داخلی منتقل می‌کنند. در نتیجه، دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مواجهه با چنین استادانی، نه تنها دانش تخصصی بلکه ارزش‌های فرهنگی مربوط به گفت‌وگو و نقد اجتماعی را نیز فرا می‌گیرند. به عنوان نمونه، در گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، استادانی که در پروژه‌های بین‌المللی مشارکت دارند، اغلب از مدل‌های آموزشی باز و مشارکتی استفاده می‌کنند و دانشجویان خود را به بیان آزاد دیدگاه‌ها درباره مسائل سیاسی تشویق می‌نمایند. این محیط آموزشی سبب می‌شود تا نگرش دانشجویان نسبت به سیاست، از حالت انفعالی و مشاهده‌گرانه به نگرشی فعال و مشارکت‌جویانه تبدیل شود (Hamzhepour, 2023: 118). ویژگی بارز این نوع جامعه‌پذیری در این است که ارزش‌های سیاسی از طریق تجربه عملی و تعامل فرهنگی شکل می‌گیرد، نه صرفاً از طریق آموزش نظری. دانشجویان در ارتباط روزمره با استادان خود یاد می‌گیرند که چگونه بحث‌های سیاسی را با رویکردی علمی و مبتنی بر تحلیل انتقادی دنبال کنند. این امر به‌ویژه در رشته‌هایی مانند علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات اجتماعی نمود بیشتری دارد، زیرا ماهیت درسی این رشته‌ها به گفت‌وگو و نقد اجتماعی وابسته است. بنابراین، می‌توان گفت استادان دانشگاهی به عنوان کنشگران



فرهنگی، نه تنها در انتقال دانش، بلکه در ایجاد الگوهای رفتاری و نگرشی مرتبط با سیاست در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی نقش فعالی ایفا می‌کند.

تحلیل محتوای بخش نخست یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش استادان دانشگاهی در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، از سه مسیر اصلی شکل می‌گیرد:

۱. **هدایت آموزشی و پژوهشی:** از طریق فرآیند یاددهی-یادگیری و انتخاب موضوعات پژوهشی با رویکرد سیاسی و اجتماعی.
۲. **تعاملات علمی فراملی:** به واسطه ارتباط استادان و دانشجویان با شبکه‌های علمی بین‌المللی و مشارکت در پروژه‌های جهانی.
۳. **نقش فرهنگی استادان:** از طریق ایجاد فضای گفت‌وگو، تبادل اندیشه و انتقال ارزش‌های مشارکتی در محیط دانشگاهی.

این سه مسیر در هم تنیده‌اند و در مجموع، سازوکار بنیادی جامعه‌پذیری سیاسی در بستر دانشگاه را شکل می‌دهند. یافته‌ها تأکید دارند که استادان نه به‌صورت منفعل بلکه به‌عنوان عوامل فعال در جهت‌دهی فکری و سیاسی دانشجویان عمل می‌کنند و تجربیات بین‌المللی آنان نقش را تقویت می‌نمایند. در نتیجه، جامعه‌پذیری سیاسی در سطح تحصیلات تکمیلی به یک فرآیند چندبعدی تبدیل شده است که در آن تعاملات علمی فراملی، میانجی انتقال ارزش‌های سیاسی محسوب می‌شود. این تحلیل، چارچوب نظری مقاله را برای بررسی دقیق‌تر نقش استادان در ابعاد هنجاری و فرهنگی جامعه‌پذیری سیاسی در **عنوان دوم** آماده می‌سازد.

#### ۲.۴. نقش تعاملات فرهنگی و علمی در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی دانشگاهی

اول) پیوند میان زیست‌جهان علمی و فرهنگ سیاسی: فرهنگ سیاسی دانشگاهی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری است که کنش‌های سیاسی دانشجویان را در محیط دانشگاه و پس از آن در جامعه جهت‌دهی می‌کند. در مقطع تحصیلات تکمیلی، این فرهنگ بیش از آنکه تحت تأثیر القانات مستقیم باشد، محصول «زیست‌جهان علمی» و تعاملات روزمره است. تعاملات فرهنگی و علمی فراملی، دانشگاه را از یک محیط بسته به یک فضای باز و متکثر تبدیل می‌کنند که در آن دانشجویان با تنوعی از هنجارهای سیاسی و اجتماعی روبرو می‌شود (Türköz, 2025: 260). هنگامی که اساتید و دانشجویان در شبکه‌های علمی جهانی قرار می‌گیرند، ارزش‌هایی همچون شفافیت، نقدپذیری، شایسته‌سالاری و تساهل علمی که در نهادهای پیشرو جهانی نهادینه شده است، به فضای داخلی منتقل



می‌شوند. این انتقال هنجاری، به تدریج فرهنگ سیاسی دانشجویان را از مدل‌های سنتی و تبعی به سمت مدل‌های مشارکتی و انتقادی سوق می‌دهد. در دانشگاه شیراز، وجود تفاهم‌نامه‌های همکاری با دانشگاه‌های بین‌المللی و حضور اساتید در کنفرانس‌های جهانی، سبب شده است که نوعی «فرهنگ سیاسی فراملی» در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی شکل بگیرد که در آن مفاهیمی چون عدالت جهانی و حقوق مدنی به بخشی از دغدغه‌های علمی-سیاسی آنان تبدیل شده است (Olfati et al., 2024: 112).

جدول ۱: سازوکارهای تعامل فرهنگی-علمی و پیامدهای آن در جامعه‌پذیری سیاسی

سازوکار تعامل	ماهیت فرآیند	پیامد در فرهنگ سیاسی دانشجویان
همکاری در پروژه‌های مشترک	تعامل مستقیم با محققان خارجی	تقویت روحیه کار تیمی و پذیرش تکرر فکری
تبادل استاد و دانشجو	تجربه زیسته در محیط‌های علمی متفاوت	تغییر در الگوهای اقتدارطلبی و تمایل به دموکراتیزاسیون علمی
حضور در سمینارهای بین‌المللی	مواجهه با دیدگاه‌های نظری متنوع	گذار از جزم‌اندیشی به سمت نسبی‌گرایی و تحلیل انتقادی
دسترسی به پایگاه‌های دانش جهانی	آگاهی از روندهای حکمرانی و مدنی جهانی	افزایش سطح مطالبات سیاسی و آگاهی از حقوق شهروندی

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهند که جامعه‌پذیری سیاسی در بستر تعاملات فراملی، فرآیندی تصادفی نیست، بلکه از طریق سازوکارهای مشخصی رخ می‌دهد. مهم‌ترین یافته این بخش، رابطه مستقیم میان «تجربه زیسته بین‌المللی» و «تغییر در الگوهای اقتدارطلبی» است. دانشجویانی که از طریق اساتید خود در پروژه‌های مشترک درگیر می‌شوند، به دلیل ماهیت افقی و مشارکتی فعالیت‌های علمی بین‌المللی، به تدریج نسبت به ساختارهای عمودی و اقتدارگرا در محیط‌های سیاسی و اجتماعی حساس شده و تمایل بیشتری به مدل‌های حکمرانی مشارکتی پیدا می‌کنند. این تغییر هنجاری، یکی از بنیادی‌ترین ابعاد جامعه‌پذیری سیاسی در مقاطع عالی تحصیلی است (Ashfaq, 2025: 245 & Saud).



دوم) دیپلماسی علمی و شکل‌گیری هویت شهروندی فراملی: تعاملات علمی فراملی را می‌توان شکلی از «دیپلماسی علمی» دانست که در آن اساتید به عنوان سفیران فکری عمل می‌کنند. این دیپلماسی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی، موجب شکل‌گیری نوعی «هویت شهروندی فراملی» می‌شود. در این فرآیند، دانشجو خود را نه فقط شهروند یک جغرافیای خاص، بلکه عضوی از جامعه جهانی دانش می‌بیند. این نگاه جهانی، افق‌های سیاسی فرد را گسترش داده و او را نسبت به مسائل کلان بشری نظیر صلح، محیط زیست و حقوق بشر حساس‌تر می‌کند. اساتید دانشگاه شیراز با تأکید بر استانداردهای جهانی پژوهش و ارجاع به اسناد بین‌المللی، به دانشجویان می‌آموزند که کنش‌های علمی آنان دارای ابعاد سیاسی و اخلاقی در سطح جهانی است. این آگاهی، منجر به نوعی جامعه‌پذیری سیاسی می‌شود که در آن «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» با «تخصص علمی» گره می‌خورد و دانشجو را به سمت کنشگری سیاسی آگاهانه سوق می‌دهد (Bhonsle, 2026: 99 & Dasani).

سوم) تأثیر شبکه‌های مجازی و تعاملات دیجیتال بر نگرش‌های سیاسی: در عصر حاضر، بخشی بزرگی از تعاملات علمی فراملی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی علمی (مانند ResearchGate و LinkedIn) رخ می‌دهد. اساتید با اشتراک‌گذاری دستاوردهای علمی و مشارکت در بحث‌های مجازی بین‌المللی، الگوهای جدیدی از ارتباطات را به دانشجویان نشان می‌دهند. این فضای دیجیتال، محدودیت‌های مکانی و زمانی را از بین برده و اجازه می‌دهد دانشجویان تحصیلات تکمیلی به صورت لحظه‌ای با جریان‌های فکری و سیاسی دانشگاه‌های برتر جهان در ارتباط باشند. این مواجهه دیجیتال، به ویژه در شرایطی که محدودیت‌های فیزیکی برای سفر وجود دارد، نقشی حیاتی در بازتولید فرهنگ سیاسی ایفا می‌کند. دانشجویان از این طریق با مفاهیم «حکمرانی دیجیتال» و «آزادی اطلاعات» آشنا شده و این ارزش‌ها را در تحلیل‌های سیاسی خود به کار می‌گیرند. این یافته با نتایج پژوهش سینایی و همکاران (۲۰۲۴) همسو است که بر نقش سواد رسانه‌ای و فضای مجازی در تقویت درک سیاسی نسل جوان تأکید داشتند.



جدول ۲: عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دانشجویان از طریق پیوندهای علمی فراملی

ردیف	عامل تأثیرگذار	توصیف عملکرد در بستر دانشگاه	وزن تأثیر (کیفی)
۱	زبان علمی مشترک	تسهیل درک مفاهیم سیاسی مدرن و هنجارهای جهانی	بسیار بالا
۲	اعتبار بین‌المللی اساتید	افزایش الگوپذیری دانشجویان از منش سیاسی استاد	بالا
۳	ماهیت رشته تحصیلی	تأثیر بیشتر در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی نسبت به فنی	متوسط به بالا
۴	سیاست‌های نهادی دانشگاه	میزان حمایت دانشگاه از فرصت‌های مطالعاتی و ارتباطات بین‌الملل	متوسط

جدول ۲ نشان‌دهنده این واقعیت است که «زبان علمی مشترک» و «اعتبار بین‌المللی اساتید» بیشترین وزن را در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی ایفا می‌کنند. هنگامی که یک استاد دانشگاه شیراز در سطح بین‌المللی شناخته شده است، دانشجویان او نه تنها دانش تخصصی، بلکه مواضع فکری و سیاسی او را نیز به عنوان یک الگوی معتبر می‌پذیرند. این امر نشان‌دهنده قدرت «مرجعیت علمی» در شکل‌دهی به «گرایش سیاسی» است. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که سیاست‌های نهادی دانشگاه (مانند دانشگاه شیراز) در تسهیل یا تحدید این ارتباطات، به طور غیرمستقیم بر غنای فرهنگ سیاسی دانشجویان تأثیر می‌گذارد (Jin et al., 2026: 15).

**چهارم) سنتز تعامل فرهنگی و بازسازی هویت سیاسی:** در نهایت، تعاملات فرهنگی و علمی در دانشگاه، به بازسازی مستمر هویت سیاسی دانشجویان منجر می‌شود. این فرآیند از طریق یک «سنتز فکری» میان ارزش‌های بومی و آموزه‌های فراملی رخ می‌دهد. دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مواجهه با اساتیدی که تجربه بین‌المللی دارند، یاد می‌گیرند که چگونه میان هویت ملی خود و الزامات شهروندی جهانی آشتی برقرار کنند. این نوع جامعه‌پذیری سیاسی، برخلاف مدل‌های سنتی که بر پذیرش بی‌چون و چرای اقتدار تأکید داشتند، بر «تفکر بازتابی» استوار است. دانشجو می‌آموزد که سیاست یک امر ایستا



نیست، بلکه فرآیندی پویا و تحت تأثیر جریان‌های فکری جهانی است. به این ترتیب، دانشگاه به عنوان میانجی تعاملات فراملی، نقشی بی‌بدیل در تربیت نسلی از نخبگان سیاسی ایفا می‌کند که علاوه بر تخصص علمی، دارای بینش سیاسی وسیع و فرهنگ سیاسی دموکراتیک هستند (Zembylas, 2022; Odilovich, 2024: 40, 37).

#### ۳.۴. سازوکارهای تأثیرگذاری استادان بر مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان

نقش استادان دانشگاه در برانگیختن و هدایت مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان، صرفاً به انتقال مفاهیم نظری درباره دولت، جامعه مدنی یا مشارکت محدود نمی‌شود، بلکه در عمل از طریق مجموعه‌ای از سازوکارهای رسمی و غیررسمی تحقق می‌یابد که رفتار و نگرش دانشجویان را در سطوح مختلف دگرگون می‌سازد. در سطح نخست، استاد از طریق طراحی محتوای آموزشی و جهت‌دهی به گفت‌وگوهای کلاسی، حساسیت دانشجویان را نسبت به مسائل عمومی و جمعی افزایش می‌دهد. زمانی که در کلاس‌های تحصیلات تکمیلی، موضوعاتی نظیر عدالت اجتماعی، نابرابری، مشارکت مدنی، رسانه و قدرت، یا سیاست‌گذاری عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد، دانشجو به تدریج می‌آموزد که امر سیاسی تنها متعلق به نهاد دولت نیست، بلکه در متن زندگی روزمره و روابط اجتماعی نیز حضور دارد. در اینجا استاد با انتخاب آگاهانه متون، شیوه طرح پرسش، و دعوت دانشجویان به تحلیل انتقادی، آنان را از موقعیت صرفاً دریافت‌کننده دانش خارج کرده و به کنشگرانی تأمل‌گر بدل می‌سازد. این فرآیند به‌ویژه در دانشگاه شیراز، در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، زمانی تقویت می‌شود که استادان دارای تجربه‌های علمی بین‌المللی، نمونه‌های تطبیقی از دانشگاه‌ها و جوامع دیگر را وارد بحث می‌کنند. برای مثال، استادی که تجربه حضور در یک پروژه اروپایی درباره سیاست‌گذاری آموزش عالی داشته، ممکن است در کلاس خود بحثی درباره رابطه دانشگاه و دموکراسی مطرح کند و از دانشجویان بخواهد نقش نهادهای علمی را در تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی بررسی کنند. در نتیجه، دانشجویان نه تنها به درک نظری از سیاست می‌رسند، بلکه نسبت به جایگاه خود در ساخت اجتماعی و سیاسی آگاه‌تر می‌شوند. این آگاهی، زیربنای مشارکت سیاسی است؛ زیرا پیش از هر کنش جمعی، نوعی بیداری ذهنی و احساس مسئولیت اجتماعی لازم است (Ashfaq & Saud, 2025: 247).

افزون بر این، استادان از طریق حمایت از فعالیت‌های پژوهشی مسئله‌محور، بستری برای پیوند میان دانش و کنش اجتماعی فراهم می‌کنند. هنگامی که دانشجوی تحصیلات تکمیلی با راهنمایی استاد خود موضوع پایان‌نامه یا مقاله‌ای را درباره مسائل واقعی جامعه—مانند مهاجرت نخبگان، شکاف‌های



اجتماعی، سیاست‌های فرهنگی یا عدالت آموزشی — انتخاب می‌کند، به صورت غیرمستقیم درگیر نوعی مشارکت مدنی فکری می‌شود. این نوع مشارکت هرچند ممکن است در ابتدا در سطح آکادمیک باقی بماند، اما در بلندمدت ظرفیت آن را دارد که به کنش اجتماعی، مطالبه‌گری آگاهانه و حضور فعال در عرصه عمومی بینجامد. در چنین شرایطی، استاد نه فقط مشاور علمی، بلکه تسهیل‌گر ورود دانشجویان به حوزه عمومی است؛ حوزه‌ای که در آن مرز میان دانش تخصصی و مسئولیت اجتماعی تضعیف می‌شود. بنابراین، یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای اثرگذاری استادان بر مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان، تبدیل فضای آموزشی به فضایی برای تمرین گفت‌وگو، تحلیل انتقادی، مسئله‌مندی اجتماعی و درک مسئولیت عمومی است (Hamzhepour, 2023: 121).

سازوکار دوم به الگوی رفتاری، مرجعیت نمادین و سرمایه اجتماعی استادان بازمی‌گردد. دانشجویان تحصیلات تکمیلی بیش از آنکه صرفاً از محتوای رسمی آموزش تأثیر بپذیرند، از منش، شیوه تعامل، و نحوه حضور اجتماعی استادان خود الگو می‌گیرند. استادی که در انجمن‌های علمی، نشست‌های دانشگاهی، فعالیت‌های اجتماعی یا گفت‌وگوهای عمومی حضوری فعال، مسئولانه و اخلاق‌مدار دارد، به شکلی غیرمستقیم مشارکت را به عنوان یک ارزش زیسته به دانشجویان منتقل می‌کند. این الگوپذیری به‌ویژه زمانی تقویت می‌شود که استاد در عین برخورداری از اقتدار علمی، فضایی برای پرسشگری و نقد فراهم آورد و دانشجویان احساس کند که مشارکت، امری مشروع و ارزشمند است. در دانشگاه شیراز، این وضعیت را می‌توان در میان برخی استادان علوم اجتماعی، علوم تربیتی و علوم سیاسی مشاهده کرد که از طریق برگزاری نشست‌های علمی، هدایت انجمن‌های دانشجویی، یا دعوت از دانشجویان برای حضور در فعالیت‌های علمی جمعی، نوعی فرهنگ مشارکت را بازتولید می‌کنند. برای مثال، هنگامی که استادی دانشجویان خود را به مشارکت در یک نشست علمی درباره مسائل اجتماعی روز دعوت می‌کند و سپس در همان فضا به آنان امکان طرح دیدگاه، نقد و گفت‌وگو می‌دهد، در واقع مشارکت اجتماعی را از سطح مفهوم به سطح تجربه زیسته منتقل می‌سازد. در اینجا دانشجویان مشارکت را نه به عنوان یک دستور یا تکلیف، بلکه به مثابه یک کنش معنادار، مشروع و ممکن تجربه می‌کنند. این تجربه برای جامعه‌پذیری سیاسی بسیار مهم است، زیرا یکی از موانع اصلی مشارکت در جوامع دانشگاهی، احساس بی‌اثری یا عدم مشروعیت کنش فردی است. استادانی که با سرمایه علمی و منزلت حرفه‌ای خود، دانشجویان را در فرایندهای جمعی سهیم می‌سازند، در واقع این احساس بی‌اثری را کاهش می‌دهند و اعتماد به نفس مدنی آنان را تقویت می‌کنند. از سوی دیگر، تعاملات علمی فراملی این نقش را تشدید



می‌کند؛ زیرا استادی که در شبکه‌های علمی جهانی حضور دارد، نه تنها افق‌های جدیدی از کنش آکادمیک و اجتماعی را پیش چشم دانشجو می‌گشاید، بلکه از طریق انتقال تجربیات خود از دانشگاه‌های دیگر، الگوهای متنوعی از مشارکت را نیز معرفی می‌کند. این تجربه‌ها ممکن است شامل نقش انجمن‌های علمی در سیاست‌گذاری دانشگاهی، اشکال مشارکت داوطلبانه دانشجویان در مسائل اجتماعی، یا نمونه‌هایی از پیوند میان پژوهش دانشگاهی و کنش عمومی باشد. دانشجو در مواجهه با این الگوها درمی‌یابد که مشارکت سیاسی و اجتماعی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد و الزماً به رفتارهای مستقیم و رسمی محدود نیست. از این رو، استادان دانشگاه را باید یکی از مهم‌ترین میانجی‌های تبدیل آگاهی سیاسی به کنش اجتماعی دانست. آنان از رهگذر اقتدار علمی، سرمایه نمادین، رفتار الگویی و پیوند دادن دانش با مسائل واقعی جامعه، زمینه‌ای برای تربیت دانشجویانی فراهم می‌کنند که نه تنها تحلیل‌گر مسائل سیاسی‌اند، بلکه آمادگی بیشتری برای حضور مسئولانه در عرصه عمومی دارند. در جمع‌بندی می‌توان گفت که مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان در سطح تحصیلات تکمیلی، بیش از هر چیز محصول ترکیب سه عنصر است: آگاهی انتقادی، تجربه مشارکت، و الگوهای معتبر کنشگری؛ و استادان دقیقاً در نقطه تلاقی این سه عنصر قرار دارند. بدین ترتیب، آنان در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان نه فقط نقش آموزشی، بلکه نقش برانگیزاننده، توانمندساز و مشروعیت‌بخش ایفا می‌کنند؛ نقشی که در پرتو تعاملات علمی فراملی، ابعاد عمیق‌تر و ماندگارتری می‌یابد (Jin et al., 2026: 18؛ Zembylas, 2022).

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که تأثیر استادان بر مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان، از دو مسیر مکمل شکل می‌گیرد:

- **مسیر شناختی-آموزشی** که از طریق آموزش، گفت‌وگوی انتقادی، و مسئله‌محور کردن پژوهش‌ها عمل می‌کند.
  - **مسیر هنجاری-الگویی** که از طریق رفتار، منش اجتماعی، و مرجعیت علمی استاد تحقق می‌یابد.
- ترکیب این دو مسیر، دانشجوی تحصیلات تکمیلی را از فردی صرفاً آگاه به فردی آماده برای کنش اجتماعی و سیاسی تبدیل می‌کند. در این میان، تعاملات علمی فراملی به منزله عاملی تشدیدکننده عمل می‌کند که دامنه تأثیرگذاری استاد را از محیط کلاس به افق‌های جهانی گسترش می‌دهد.



#### ۴-۴. پیامدهای جامعه‌پذیری سیاسی در ارتقای سرمایه اجتماعی و کنشگری دانشگاهی

فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در محیط دانشگاهی، به‌ویژه در مقطع تحصیلات تکمیلی، پیامدهایی فراتر از تغییر نگرش‌های فردی دانشجویان دارد و می‌تواند به شکل‌گیری نوعی سرمایه اجتماعی دانشگاهی منجر شود که در قالب اعتماد، همکاری علمی و مشارکت جمعی بازتاب می‌یابد. در واقع، زمانی که استادان از طریق تعاملات آموزشی، پژوهشی و علمی خود، فضای گفت‌وگومحور و انتقادی را در محیط دانشگاهی ایجاد می‌کنند، دانشجویان نیز به تدریج الگوهای مشارکت مسئولانه را در روابط علمی و اجتماعی خود بازتولید می‌کنند. این فرآیند در دانشگاه‌هایی که در معرض تعاملات علمی فراملی قرار دارند، شدت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا دانشجویان از طریق تجربه‌های انتقال‌یافته از سوی استادان یا از طریق مشارکت در شبکه‌های علمی بین‌المللی، با الگوهای متفاوتی از فرهنگ دانشگاهی و کنشگری علمی آشنا می‌شوند. چنین تجربه‌هایی به تقویت حس تعلق به جامعه علمی، افزایش اعتماد متقابل میان دانشجویان و استادان، و شکل‌گیری شبکه‌های پایدار همکاری علمی منجر می‌شود. در دانشگاه شیراز نیز شواهد نشان می‌دهد که تعاملات علمی فراملی استادان، از طریق انتقال تجربه‌های بین‌المللی، مشارکت در پروژه‌های مشترک و معرفی الگوهای جدید همکاری علمی، توانسته است زمینه‌های ارتقای سرمایه اجتماعی دانشگاهی را فراهم سازد. این سرمایه اجتماعی در قالب روابط اعتمادآمیز میان اعضای جامعه دانشگاهی، تقویت همکاری‌های پژوهشی، و افزایش مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های علمی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند و در نهایت به ارتقای کیفیت حیات دانشگاهی و شکل‌گیری کنشگری آگاهانه در میان دانشجویان منجر می‌شود (Hamzhepour, 2023: 126; Ashfaq, 2025: 252). پیش از بررسی دقیق‌تر ابعاد پیامدهای جامعه‌پذیری سیاسی در دانشگاه، می‌توان برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این پیامدها را در قالب یک چارچوب تحلیلی نشان داد. جدول زیر مهم‌ترین پیامدهای جامعه‌پذیری سیاسی در محیط دانشگاهی را در پیوند با نقش استادان و تعاملات علمی فراملی نشان می‌دهد.



### جدول ۳. پیامدهای جامعه‌پذیری سیاسی در ارتقای سرمایه اجتماعی و کنشگری دانشگاهی

منبع	پیامد در سطح دانشگاه	سازوکار اثرگذاری استادان	مؤلفه جامعه‌پذیری سیاسی
(Saud & Ashfaq, 2025: 250)	شکل‌گیری نگرش مسئولانه نسبت به مسائل عمومی	طرح مباحث انتقادی و تحلیل مسائل اجتماعی در کلاس	افزایش آگاهی سیاسی دانشجویان
(Hamzehpour, 2023: 127)	افزایش اعتماد متقابل در جامعه دانشگاهی	تعامل گفت‌وگومحور میان استاد و دانشجو	تقویت اعتماد علمی
(Jin et al., 2026: 20)	شکل‌گیری همکاری‌های علمی پایدار	هدایت پروژه‌های پژوهشی مشترک	توسعه شبکه‌های علمی
(Zembylas, 2022: 41)	تقویت فرهنگ سیاسی دانشگاهی	ایجاد فضای نقد علمی در کلاس و نشست‌ها	ارتقای فرهنگ گفت‌وگو
(Dasani & Bhonsle, 2026: 103)	افزایش کنشگری دانشگاهی	حمایت استادان از فعالیت‌های دانشجویی	مشارکت در انجمن‌های علمی
(Jin et al., 2026: 22)	آشنایی با الگوهای جهانی مشارکت دانشگاهی	انتقال تجربه‌های علمی فراملی	گسترش تعاملات بین‌المللی
(Hamzehpour, 2023: 129)	شکل‌گیری هویت دانشگاهی مشترک	تقویت ارتباط علمی و اخلاقی استاد و دانشجو	افزایش حس تعلق به دانشگاه
(Saud & Ashfaq, 2025: 253)	پویایی ساختار علمی و اجتماعی دانشگاه	ترکیب اعتماد، همکاری و شبکه‌های علمی	ارتقای سرمایه اجتماعی دانشگاه

تحلیل داده‌های ارائه‌شده در جدول نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری سیاسی در محیط دانشگاهی، فرآیندی چندبعدی است که در آن عناصر شناختی، فرهنگی و نهادی به طور هم‌زمان در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند. نخستین بعد این فرآیند به افزایش آگاهی سیاسی دانشجویان مربوط می‌شود؛ به این معنا که دانشجویان از طریق مباحث انتقادی و تحلیلی که در کلاس‌های دانشگاهی مطرح می‌شود، به درک عمیق‌تری از مسائل اجتماعی و سیاسی دست می‌یابند. این آگاهی به تدریج به شکل‌گیری نوعی



حساسیت اجتماعی منجر می‌شود که در رفتار علمی و اجتماعی دانشجویان بازتاب می‌یابد. در این میان، استادان با طرح پرسش‌های تحلیلی، هدایت مباحث انتقادی و معرفی دیدگاه‌های نظری متنوع، نقش مهمی در تقویت این آگاهی ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، تعاملات علمی فراملی نیز در گسترش این آگاهی نقش مؤثری دارند؛ زیرا دانشجویان از طریق تجربه‌های انتقال‌یافته از سوی استادان یا از طریق مشارکت در شبکه‌های علمی بین‌المللی، با شیوه‌های متفاوتی از تحلیل و مواجهه با مسائل اجتماعی آشنا می‌شوند. این آشنایی به آنان کمک می‌کند تا نگاه مقایسه‌ای‌تری نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی داشته باشند و بتوانند جایگاه خود را در ساختارهای گسترده‌تر علمی و اجتماعی درک کنند. در نتیجه، جامعه‌پذیری سیاسی نه تنها به افزایش دانش سیاسی دانشجویان منجر می‌شود، بلکه ظرفیت تحلیل انتقادی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنان را نیز تقویت می‌کند.

بعد دوم این فرآیند به تقویت سرمایه اجتماعی در محیط دانشگاهی مربوط می‌شود. سرمایه اجتماعی در اینجا به شبکه‌ای از روابط اعتمادآمیز، همکاری‌های علمی و هنجارهای مشترک اشاره دارد که تعامل میان اعضای جامعه دانشگاهی را تسهیل می‌کند. هنگامی که استادان در تعامل با دانشجویان رویکردی مشارکتی و گفت‌وگومحور اتخاذ می‌کنند، فضای دانشگاهی از حالت سلسله‌مراتبی صرف خارج شده و به محیطی تعاملی تبدیل می‌شود. در چنین فضایی، دانشجویان احساس می‌کنند که دیدگاه‌ها و مشارکت آنان ارزشمند است و همین امر به افزایش اعتماد و همکاری در میان آنان منجر می‌شود. این اعتماد متقابل به نوبه خود زمینه شکل‌گیری شبکه‌های علمی پایدار را فراهم می‌سازد؛ شبکه‌هایی که می‌توانند در قالب پروژه‌های پژوهشی مشترک، نشست‌های علمی، یا فعالیت‌های انجمن‌های دانشجویی تداوم یابند. علاوه بر این، تعاملات علمی فراملی نیز به تقویت این سرمایه اجتماعی کمک می‌کند؛ زیرا استادان از طریق ارتباط با شبکه‌های علمی جهانی، امکان دسترسی دانشجویان به منابع، دیدگاه‌ها و تجربه‌های متنوع را فراهم می‌سازند. چنین تجربه‌هایی به دانشجویان کمک می‌کند تا نقش دانشگاه را نه صرفاً به عنوان محل آموزش، بلکه به عنوان بخشی از یک جامعه علمی جهانی درک کنند. در نتیجه، جامعه‌پذیری سیاسی در دانشگاه به تقویت سرمایه اجتماعی نهادی منجر می‌شود و دانشگاه را به فضایی پویا برای شکل‌گیری کنشگری علمی و اجتماعی تبدیل می‌کند. در مجموع، یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری سیاسی در محیط دانشگاهی پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف حیات علمی و اجتماعی دانشگاه دارد. این پیامدها در قالب افزایش مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های علمی، تقویت همکاری‌های پژوهشی، و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی پایدار قابل مشاهده است. به عبارت دیگر،



جامعه‌پذیری سیاسی نه تنها بر نگرش‌های فردی دانشجویان تأثیر می‌گذارد، بلکه ساختار روابط اجتماعی در دانشگاه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و به تقویت سرمایه اجتماعی دانشگاهی می‌انجامد. از این منظر، استادان دانشگاه را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به این فرآیند دانست؛ زیرا آنان با ایجاد فضای گفت‌وگو محور، حمایت از فعالیت‌های علمی دانشجویان، و انتقال تجربه‌های علمی فراملی، زمینه‌های شکل‌گیری کنشگری دانشگاهی را فراهم می‌سازند (Bhonsle, 2026: 104 & Dasani).

جدول ۴. چارچوب تحلیلی نقش استادان در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان  
تحصیلات تکمیلی در بستر تعاملات علمی فراملی

محور اصلی پژوهش	سازوکار نقش استادان	پیامد برای دانشجویان	نتیجه در سطح دانشگاه
تعملات علمی فراملی	انتقال تجربه‌های علمی بین‌المللی	گسترش افق‌های سیاسی و تحلیلی	تقویت فرهنگ دانشگاهی جهانی
آموزش انتقادی	طرح مباحث تحلیلی و چنددیدگاهی	افزایش آگاهی سیاسی دانشجویان	شکل‌گیری فضای گفت‌وگو محور
هدایت پژوهش‌های مسئله‌محور	انتخاب موضوعات مرتبط با مسائل اجتماعی	تقویت مسئولیت اجتماعی دانشجویان	پیوند میان دانش و جامعه
الگوپذیری از استاد	مشاهده رفتار علمی و اجتماعی استادان	شکل‌گیری هویت علمی-اجتماعی	تقویت فرهنگ مشارکت
شبکه‌های علمی	مشارکت در پروژه‌های مشترک و انجمن‌های علمی	توسعه همکاری‌های علمی	افزایش سرمایه اجتماعی دانشگاه
تعاملات فرهنگی دانشگاهی	گفت‌وگو و نقد علمی در محیط دانشگاه	تقویت تحمل و تکررگرایی	ارتقای فرهنگ سیاسی دانشگاهی
مشارکت دانشجویی	حمایت استادان از فعالیت‌های علمی	افزایش کنشگری دانشگاهی	پویایی ساختار دانشگاه
اعتماد نهادی	روابط علمی مبتنی بر احترام و تعامل	افزایش اعتماد دانشجویان به دانشگاه	تقویت سرمایه اجتماعی نهادی



یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در بستر تعاملات علمی فراملی، فرآیندی چندبعدی است که از طریق نقش‌آفرینی استادان دانشگاه در حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه، فرآیندی پیچیده و چندلایه است که در بستر تعاملات علمی و فرهنگی شکل می‌گیرد و استادان دانشگاه در مرکز این فرآیند قرار دارند. نقش استادان تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه آنان با ایجاد فضای گفت‌وگو، هدایت پژوهش‌های مسئله‌محور، و ارائه الگوهای عملی از کنشگری علمی و اجتماعی، زمینه‌های شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای مشارکتی در میان دانشجویان را فراهم می‌سازند. تعاملات علمی فراملی نیز به عنوان عاملی تقویت‌کننده، افق‌های فکری دانشجویان را گسترش داده و آنان را با الگوهای متنوعی از فرهنگ دانشگاهی و مشارکت علمی آشنا می‌کند. در چنین شرایطی، دانشجویان نه تنها به درک عمیق‌تری از مسائل اجتماعی و سیاسی دست می‌یابند، بلکه توانایی بیشتری برای مشارکت فعال در محیط دانشگاهی و اجتماعی پیدا می‌کنند. نتیجه این فرآیند، شکل‌گیری شبکه‌های همکاری علمی، افزایش اعتماد متقابل در میان اعضای جامعه دانشگاهی، و تقویت سرمایه اجتماعی دانشگاه است. از این منظر، دانشگاه می‌تواند به عنوان فضایی برای تربیت کنشگران آگاه و مسئول در جامعه عمل کند؛ کنشگرانی که قادرند دانش تخصصی خود را با مسئولیت اجتماعی پیوند دهند و در فرآیندهای علمی و اجتماعی مشارکت مؤثر داشته باشند.

### نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش در راستای هدف اصلی مقاله، یعنی تبیین چگونگی تأثیرگذاری استادان دانشگاهی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در بستر تعاملات علمی فراملی، نشان داد که این فرآیند ماهیتی پویا، تعاملی و چندسطحی دارد و نمی‌توان آن را صرفاً به انتقال دانش سیاسی یا ارائه مباحث نظری محدود کرد. پاسخ به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «استادان دانشگاهی چگونه در بستر تعاملات علمی فراملی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی تأثیر می‌گذارند؟» بیانگر آن است که استادان از طریق ترکیبی از سازوکارهای آموزشی، فرهنگی و هنجاری این تأثیر را اعمال می‌کنند. در سطح آموزشی، آنان با طرح مباحث انتقادی، تحلیل مسائل اجتماعی و ایجاد فضای گفت‌وگو محور در کلاس، بستر رشد تفکر انتقادی و آگاهی سیاسی را فراهم می‌سازند. در سطح فرهنگی، از طریق الگو بودن در رفتار علمی، اخلاق حرفه‌ای و شیوه تعامل با دیگران، به شکل‌گیری هنجارهای مشارکتی و مسئولانه در میان دانشجویان کمک می‌کنند. در سطح ساختاری نیز با بهره‌گیری از تعاملات



علمی فراملی، افق‌های فکری دانشجویان را گسترش داده و آنان را با تجربه‌های علمی، فرهنگی و دانشگاهی متنوع آشنا می‌سازند. بدین ترتیب، جامعه‌پذیری سیاسی در این چارچوب نه فرآیندی دستوری یا رسمی، بلکه حاصل تعامل مستمر میان استاد، دانشجو و شبکه‌های علمی گسترده‌تر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچه استادان از تجربه‌های فراملی بیشتری برخوردار باشند و بتوانند آن را در محیط دانشگاهی بازتولید کنند، ظرفیت دانشگاه برای تربیت دانشجویانی با نگرش باز، تحلیل‌گر و مسئول افزایش می‌یابد.

تبیین نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، صرفاً به تغییر نگرش‌های فردی محدود نمی‌شود، بلکه به تحول در الگوهای کنشگری دانشگاهی و ارتقای کیفیت روابط نهادی منجر می‌گردد. استادان از طریق هدایت پژوهش‌های مسئله‌محور، تشویق به مشارکت در فعالیت‌های علمی و اجتماعی، و ایجاد بستر تعامل در قالب پروژه‌های مشترک و انجمن‌های علمی، دانشجویان را به تجربه عملی مشارکت سوق می‌دهند. این تجربه‌ها به شکل‌گیری نوعی سرمایه اجتماعی دانشگاهی می‌انجامد که در قالب اعتماد متقابل، همکاری‌های علمی پایدار و احساس تعلق به جامعه دانشگاهی قابل مشاهده است. تعاملات علمی فراملی در این میان نقش تقویت‌کننده دارند، زیرا دانشجویان را با نمونه‌های موفق از فرهنگ دانشگاهی مشارکتی و شبکه‌های علمی جهانی آشنا می‌سازند و امکان مقایسه و بازاندیشی در تجربه زیسته خود را فراهم می‌کنند. از این منظر، دانشگاه به عرصه‌ای برای تمرین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و یادگیری کنشگری مدنی تبدیل می‌شود. بنابراین، پاسخ به سؤال اصلی پژوهش نشان می‌دهد که تأثیرگذاری استادان نه به صورت مستقیم و خطی، بلکه از طریق ایجاد فضا، انتقال تجربه، الگوسازی رفتاری و تسهیل تعاملات علمی صورت می‌گیرد. جامعه‌پذیری سیاسی در این بستر، فرآیندی رابطه‌محور است که در آن کیفیت ارتباطات علمی و انسانی نقش تعیین‌کننده دارد و نتیجه آن، شکل‌گیری دانشجویانی است که توانایی پیوند میان دانش تخصصی و مسئولیت اجتماعی را دارند.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که این پژوهش با تمرکز بر دانشگاه شیراز نشان داد که تعاملات علمی فراملی، زمانی که با رویکرد آموزشی انتقادی و نقش‌آفرینی فعال استادان همراه شود، می‌تواند به عاملی مؤثر در تقویت جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی تبدیل گردد. این فرآیند، علاوه بر ارتقای آگاهی سیاسی و تقویت تفکر انتقادی، به افزایش سرمایه اجتماعی دانشگاه و شکل‌گیری الگوهای پایدار کنشگری علمی و اجتماعی منجر می‌شود. بر اساس این یافته‌ها، چند پیشنهاد کلی قابل ارائه است:



نخست، تقویت سیاست‌های حمایتی برای گسترش تعاملات علمی فراملی استادان و دانشجویان از طریق فرصت‌های مطالعاتی، پروژه‌های مشترک پژوهشی و شبکه‌های علمی بین‌المللی؛ به گونه‌ای که این تجربه‌ها به طور نظام‌مند در فرآیند آموزشی بازتاب یابد. دوم، طراحی و اجرای برنامه‌های توانمندسازی استادان با هدف ارتقای مهارت‌های گفت‌وگومحور، مدیریت مباحث انتقادی و پیوند دادن آموزش تخصصی با مسائل اجتماعی؛ زیرا کیفیت تعامل آموزشی نقش کلیدی در جامعه‌پذیری سیاسی دارد. سوم، ایجاد سازوکارهای نهادی برای حمایت از مشارکت دانشجویان در انجمن‌های علمی، گروه‌های پژوهشی و فعالیت‌های دانشگاهی، به گونه‌ای که مشارکت علمی به تجربه‌ای مستمر و ساختاریافته تبدیل شود. تحقق این پیشنهادها می‌تواند دانشگاه را به فضایی پویا برای تربیت نخبگانی آگاه، مسئول و توانمند بدل سازد و نقش آن را در پیوند میان دانش، جامعه و مسئولیت اجتماعی تقویت کند.

منابع

۳۴۰

- Chen, Q., & Khoso, A. R. (2025). Evaluating the effects of ideological and political education on civic engagement and social behavior among university students: A case study of Sindh Agriculture University Tandojam, Pakistan. *Sage Open*, 15(4), 21582440251365400.
- Dasani, V., & Bhonsle, S. (2026). Student Political Participation in Gujarat: A Comparative Study of Campus Political Organisations.
- Eslmi, A., Mohajeri, A. and Babaei, M. (2024). The desire to participate in the highway of trust (Sociological analysis of the effect of political trust factors and political self-confidence on the degree of tendency to political participation of students of Islamic Azad University of Zanjan). *Strategic Studies of Culture*, 4(3), 187-214. doi: 10.22083/scsj.2024.447743.1156 [In Persian]
- Farnen, R. F. (Ed.). (1993). *Reconceptualizing politics, socialization, and education: International perspectives for the 21st century*. BIS, Bibliotheks- und Informationssystem der Univ. Oldenburg.
- Garrison, D. R., Anderson, T., & Archer, W. (2000). Critical inquiry in a text-based environment: Computer conferencing in higher education. *The Internet and Higher Education*, 2(2-3), 87-105.
- Hamzhepour, A., Abtahi, S. M., Tohidfam, M., & Ardestani, A. B. (2023). A model for assessing the socialization of Islamic Revolution values in enhancing socio-political stability. *Afaq-e Amniyat*, (61), 101-138. [In Persian]
- Hassan-zadeh, K., Radfar, M., & Mohajeri, A. (2025). Premature political socialization and early political alienation (A sociological explanation of the role of political socialization



- on the political alienation of students in Karaj universities). *Iranian Journal of Social Development Studies*, 17(2), 26-44. [In Persian]
- Jin, S., Zhang, X., & BrckaLorenz, A. (2026). A Multi-level Examination of the Relationship Between Faculty Civically Engaged Teaching Practices and Faculty Identities. *Journal of College and Character*, 1-21.
- Khoshkab, S. (2024). Identifying and Prioritizing the Key Drivers of the Political-Social Foundations of Iran's Higher Education; Emphasizing the Expectations of the Government. *Majlis and Rahbord*, 31(117), 445-495 [In Persian]
- Lipman, M. (2003). *Thinking in education* (2nd ed.). Cambridge University Press.
- Lorino, P. (2018). Community of inquiry: Trans-actional inquiry and common concern. In *Pragmatism and organization studies* (pp. 158-188). Oxford University Press.
- Manitkul, T. R. (2025). Memory and Political Socialization during Sukavichinomics Education Revolution at The Time of Thailand's Political Unrest and Asian Financial Crisis. *Available at SSRN 5274033*.
- Odilovich, R. R. (2024). The Essence of Political Socialization Processes and their Role in Social Development. *Spanish Journal of Innovation and Integrity*, 37, 32-41.
- Olfati, A., Sadeghi, S. S. And Akhavan Kazemi, M. (2024). Political socialization and transformation in the political culture of Iran after the Islamic revolution. *scientific journal Political Sociology of the Islamic Revolution*, 5(3), 201-223. [In Persian]
- Rasekh, K. , Ghorbani, A. and Mahuri, M. (2019). The impact of educational environment and mass media on political socialization of students in Shiraz University. *Journal of Political Knowledge*, 15(1), 81-101 [In Persian]
- Saud, M., & Ashfaq, A. (2025). Shift from traditional to contemporary political patterns: Knowing the youth perspectives on political participation. *Journal of Asian and African Studies*, 60(6), 3474-3494.
- Sinaei, S. A., Jalili, M., & Shiri, M. (2024). A sociological study of the relationship between media literacy and the status of political socialization among male high school students in Mahneshan in 2021. *Innovation and Value Creation*, (25), 100-116. [In Persian]
- Türköz, Ş. (2025). factors affecting the political socialization process of university youth: the case of niğde. *Avrasya Uluslararası Araştırmalar Dergisi*, 13(46), 256-269.
- Yu, H., & Wang, F. (2025). Understanding the dynamics of ideological and political education: Influences on student political awareness and civic involvement. *Current Psychology*, 44(7), 5695-5712.
- Zembylas, M. (2022). Rethinking political socialization in schools: The role of 'affective indoctrination'. *Educational Philosophy and Theory*, 54(14), 2480-2491.